

# دور تازه نسل‌گشی و فرهنگ‌گشی در افغانستان

نوشته دکتر هوشنگ طالع

مخالف از مرز عبور کرده و دست به عملیات خرابکارانه در کشور بزنند. در همین راستا، حکومت ترکیه هرزگاه به بهانه تعقیب رزمندگان پ. کا - کا (حزب کارگران کردستان) به قلمرو ایران تجاوز می‌کند و مهم این‌که پاسخ لازم به زبانی که حکومت مزبور می‌فهمد، به آن داده نمی‌شود. حکومت باکو که ساخته و پرداخته اتحاد جماهیر شوروی سابق است، در حالی که قادر نیست شکم شهروندان قلمرو خود را سیر کند، ادعای مالکیت «آذربایجان» و بخش‌های دیگری از ایران را دارد و...

در چنین «اوضاع و احوالی»، انسان نمایان حاکم بر بخش‌های بزرگی از افغانستان، در جهنم و زندان بزرگی که برای مردم آن به پا کرده‌اند، سرگرم فارسی‌زدایی هستند.

گرانی و نبودن درآمد، اکثریت مردم افغانستان را چنان به فقر کشانده است که به گفته شاهدانی که از آن سرزمین آمده‌اند، خوراک مردم را «نان خشک» تشکیل می‌دهد. در اثر جنگ‌های طولانی و ادامه آن در حال حاضر در دو استان «تخار» و «کندوز» (کهن‌دژ) که اصلی‌ترین منطقه کشاورزی افغانستان به شمار می‌رود، فرآورده‌های کشاورزی و دامی ایمن کشور به سختی آسیب دیده و خشکسالی‌های چندسال اخیر نیز مزید بر علت شده است. البته در اثر این خشکسالی که به ویژه در سال اخیر از شدت زیادی برخوردار است، به گفته شاهدان عینی محصول تریاک نیز در کشور مزبور از بین رفته و در این فرآیند، حکام طالبان با مضیقه‌های مالی زیادی روبه‌رو شده‌اند. اما، برخلاف اتحاد شمال که مورد پشتیبانی مالی و تسلیحاتی کشورهای دور و نزدیک قرار ندارد، طالبان از پشتیبانی مالی بی‌دریغ عربستان سعودی، امارات متحده و پشتیبانی نظامی حکومت پاکستان برخوردار است.

در سرتاسر سرزمین افغانستان، اردوگاه‌های «عرب‌ها»، «آفریقایی‌ها» و دیگر مزدوران به چشم می‌خورد که همه آنان از پشتیبانی مالی عربستان سعودی و امارات متحده عربی



امروزه در افغانستان اسلحه از زنان و دارو ارزان‌تر و در دسترس‌تر است

مواد مخدر که زیرپوشش طالبان بر بخش‌هایی از سرزمین افغانستان حاکم شده‌اند، در مرزهای شرقی کشور مستقر می‌گردند و هم‌زمان، شاهد آن هستیم که انسان نمایان حاکم بر افغانستان، در عمق کشور نفوذ می‌کنند و گروهی از هم‌میهنان ما را به اسارت گرفته و خواستار باج برای رهایی آنان می‌شوند (۱) از سوی دیگر، حکومت در مانده و عاجزی مانند حکومت عراق، دست از تسوطة و تضييع حقوق ملت ایران بر نمی‌دارد و با وجود امتیازگیری از ما، در قالب اعزام کاروان‌های زیارتی برای زیارت بقاع متبرکه، اجازه می‌دهد که عوامل سازمان‌های

مسافرانی که از افغانستان می‌آیند، می‌گویند که عناصر طالبان آشکارا به فارسی‌زبانانی که اکثریت مردم افغانستان را تشکیل می‌دهند، می‌گویند: این جا سرزمین پشتون‌هاست. بروید به ایران یا تاجیکستان! در افغانستان جایی برای فارسی‌زبانان نیست.

پس از قلع و قمع زبان فارسی در بخش‌های بزرگ آسیای میانه و قفقاز، به دست کارگزاران نظام شوروی، اکنون گروهی متعصب و مترجع که با حمایت آشکار حکومت‌های پاکستان و عربستان سعودی و حمایت پنهان ایالات متحده آمریکا و بریتانیا بر افغانستان حاکم شده‌اند، دست‌اندرکار براندازی زبان فارسی در «بتگاه اصلی» آن شده‌اند.

جماعتی که خود به یکی از زبان‌های ایرانی سخن می‌گویند، در قالب طرح بزرگ «فارسی‌زدایی» از جهان ایرانی، در پی آن برآمده‌اند که سرزمین مولانا جلال‌الدین بلخی را از زبان فارسی جدا کنند.

پرسش اساسی این‌جاست که آیا این گفته‌ها دروغ و شایعه است و یا واقعیت دارد؟ اگر واقعیت دارد، برابر چنین ستم آشکاری بر فرهنگ بشری و زبان فارسی، چه اقدامی شده است؟ چرا دولت ایران برابر هر رویداد ناچیز در سرزمین‌های اسلامی دور دست واکنش نشان می‌دهد. برابر چنین تهاجم گسترده علیه هم‌خانان و هم‌زبانان ما در افغانستان، سکوت می‌کند؟ تا پاسخ به چنین پرسش‌هایی روشن نشود، ایران نمی‌تواند از یک سیاست مستقل ملی پویا و اثرگذار در پهنه جهان برخوردار شود. نتایج یک چنین سیاست خارجی، آن است که شیخ شارجه از ما خاک طلب می‌کند و در برابر پاسخ لازم را دریافت نمی‌کند. نیمی از نیروی زمینی برای جلوگیری از یورش مشی قاجاقچی

برخوردارند. مزدوران عرب، آفریقایی (سودانی، مصری، الجزایری، عراقی و...) و دیگران، در سرزمین افغانستان که نماد گرسنگی و فقر است، از پول و رفاه کامل برخوردارند. شاهدان عینی می‌گویند، این مزدوران در کوره راه‌های افغانستان بر اتومبیل‌هایی سوارند که در تهران نمونه‌ای از آن‌ها به چشم نمی‌خورد.

### تفنگ ارزان‌تر و فراوان‌تر از دارو!

اکثریت قریب به اتفاق مردم تحت سلطه طالبان، دارای منابع درآمد نیستند. اما می‌بایست شاهد آن باشند که گروهی خارجی و گروهی «انسان‌نما»، همه مواهب این سرزمین را به غارت برند. صاحبان اصلی کشور را بکشند، نفی بلد کرده و به بردگی و فحشا وادارند.

از دیگر روش‌های زشت طالبان برای تغییر بافت قومی افغانستان اجبار دختران فارسی‌زبان به ازدواج با پشتون‌ها و مزدوران بیگانه است. شاهدان نقل می‌کنند در بسیاری از موارد که دختران فارسی‌زبان با وجود فقر شدید، تن به ازدواج با انسان‌نمایان طالبان نداده‌اند، تیرباران شده و حتا «دار و ندار» خانواده آنان نیز مصادره شده است.

افزون بر آن که تعداد زیادی پاکستانی، عرب و عرب‌زبان گوناگون در خدمت طالبان قرار دارند، تعدادی از مردم مناطق اشغالی نیز برای سیر کردن شکم خود و خانواده‌شان، در صفوف طالبان می‌جنگند. در افغانستان تحت سلطه طالبان، کاری جز جنگیدن در صفوف طالبان و یا کشت تریاک بری طالبان وجود ندارد. در یکی دو سال اخیر که در اثر خشکسالی بخش زیادی از کشتزارها نیز خشک شده‌اند، در افغانستان راهی جز مزدوری و جنگیدن برای طالبان باقی نمانده است.

با یک نگاه اجمالی به ارقام زیر، می‌توان به عمق فاجعه مردم تحت سلطه طالبان پی برد. با این ارقام و قیمت‌ها، در حالی که مردم فاقد منابع درآمد هستند، باید پذیرفت که حثادستیایی به «نان خشک» هم برای ادامه زندگی، کار آسانی نیست.

(هر دلار برابر با یکصد هزار افغانی و هر ریال کمابیش ۱۲ افغانی است.)

کدم (هفت کیلو برابر با یک سیر افغانی): ۲۰۰ هزار افغانی  
برنج کرده (هفت کیلو برابر با یک سیر افغانی): ۲۰۰ هزار افغانی  
روغن نانی (هفت کیلو برابر با یک سیر افغانی): ۸۰۰ هزار افغانی

گوشت گوسفند (هر کیلو):

گوشت گاو (هر کیلو):

یک جفت کفش (دوخت افغانستان):

یک جفت کفش (دوخت روسیه):

یک جفت کفش (دوخت خارج):

یک عدد کاپشن:

۲۰۰ هزار افغانی

۱۰۰ هزار افغانی

۲ میلیون افغانی

۱ میلیون افغانی

۲-۶ میلیون افغانی

۲ میلیون افغانی

## دختران فارسی زبانی که تن به ازدواج با طالبان و مزدوران خارجی آنها ندهند، جلوی جوخه‌های اعدام قرار می‌گیرند.

در حالی که دارو، بسیار کمیاب است و بسیار گران، کلاشینکوف و فشنگ، ارزان است و زیاد. مسافراتی که از افغانستان آمده‌اند می‌گویند: هزینه پیچیدن یک نسخه عادی کمابیش ۲ میلیون افغانی است، در حالی که یک خشاب کلاشینکوف (هر خشاب دارای ۳۰ عدد فشنگ است)، تنها ۱۲۰ هزار افغانی قیمت دارد. در همین راستا، قیمت یک کلاشینکوف میان ۵-۴ میلیون افغانی است. یعنی ارزان‌تر از یک جفت کفش خارجی، یا کفش دوخت پاکستان، تایوان، تایلند و...

در این میان، با توجه به سیاست‌هایی که تاکنون وزارت خارجه ایران در پیش گرفته، به نظر می‌رسد که میلی ندارد که مقاصد اصلی طالبان را در افغانستان دریابد. به نظر می‌رسد که چشم‌ها و گوش‌ها را بسته‌اند تا مبادا با دیدن

صحنه‌ای و یا شنیدن سخنی، به نیت واقعی «طلبه‌های انسان‌نما»ی حاکم بر افغانستان آگاه شوند.

به جای پرداختن به مسایل سرزمین‌های دوردست مسلمان‌نشین، به مسایلی مانند مشکلات ایران در خلیج فارس منطقه قفقاز، مسأله کردها، دست‌اندازی و ستیزه‌جویی آشکار حکومت‌های عراق و ترکیه، مسایل مرتبط به حکومت‌های پاکستان و پیشاپیش همه آنان، مسأله افغانستان بپردازیم.

این حق ماست که از هم‌خانمانان و مردمی که در درازای تاریخ با یکدیگر زیست مشترک، تاریخ مشترک و فرهنگ مشترک داشته‌ایم، دفاع کنیم. اگر در قالب جهان امروز و پرهیز از جنجال و «کوبیدن مشت به دهان این و آن»، مسایل خود را مطرح کنیم بدون تردید جهان گوش شنوا خواهد داشت.

برای درک ژرف‌تر فاجعه افغانستان، یک بار دیگر بهای مواد غذایی، پوشاک و دارو را با تفنگ و فشنگ مقایسه کنید. هرچه غذا، پوشاک و دارو که از اولین نیازهای بشر امروز محسوب می‌شود در افغانستان کمیاب و گران است، در برابر اسلحه و فشنگ برای کشتار هم‌خانمانان ما در آن سرزمین، ارزان است.

آیا مفهوم نسل‌کشی، چیز دیگری است. حکومت‌هایی مانند عربستان سعودی، امارات متحده عربی و به عاملیت آنان پاکستان، جنگ‌افزار و فشنگ را برای کشتن هم‌خانمانان ما در افغانستان به قیمت ارزان در دسترس همگان قرار می‌دهند و از سوی دیگر با ویران کردن مزارع و از میان بردن دامداری‌ها، خراب کردن شهرها و خانه‌های مردم و... امکان زندگی را از مردمی که در درازای تاریخ جزئی از پیکر ما بوده و هستند سلب کرده و آنان را به کام مرگ و نیستی می‌کشاند.

داروی شفابخش نیست و اگر هم اندکی هست، بسیار گران است و از دسترس همگان به دور، اما فشنگ زندگی‌سوز، زیاد است و ارزان.

پرسش اساسی این است که آیا حکومت ایران، مسئولیت‌های خود را برابر ملت ایران و وابستگان تباری، فرهنگی، زبانی و مذهبی ملت ایران می‌شناسد؟ اگر پاسخ آری است، چرا اقدام نمی‌کند و اگر پاسخ منفی است، چرا...